# ماجرای کتابخوانی سردار سلیمانی و دیدارهایش با نویسندگان

## رئیس حوزه هنری: کسانی که می‌خواهند درباره شهید سلیمانی کاری کنند با سپاه پاسداران و سپاه قدس هماهنگ کنند که روایت‌ها درست باشد و شاهد موازی‌کاری نباشیم

خبرگزاری مهر

رئیس حوزه هنری به بیـان خاطراتی درباره سردار شـهید حاج‌قاسم سـلیمانی پرداخت و از کتابخوانی‌هـا و جلسـات خصوصـی او با نویسندگان گفت.

محسـن مؤمنی‌شـریف، رئیس حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی که کتابی را پیرامون احمد سلیمانی از بستگان سـردار سلیمانی و عموزاده ایشان با نام «ریشه در آسمان» نوشته، خاطرات ناگفته زیـادی را در برنامه تلویزیونی ملک سلیمانی از سردار سلیمانی مطرح کرد.

مؤمنی‌شـریف در ابتدای صحبت خود ضمن اشـاره به کتابی درباره حاج‌قاسم سلیمانی که توسـط خودش نوشته شـده، گفت: زمستان ۱۳۷۵ بود که آقای سرهنگی مدیر دفتر ادبیات و هنر مقاومت حوزه هنری با من تماس گرفتند و گفتند فـردا از کرمان مهمانانـی می‌آیند و می‌خواهند راجع به کنگره سرداران خود با ما مشورت کنند. آن روز سـه نفر پیش ما آمدند؛ یکی سردار قاسم سلیمانی بود که تا آن روز من نه نامشان را شـنیده بودم و نه دیده بودم‌شان. نفر دوم آقای جعفری بود که مدیر کل ارشـاد استان کرمان بود و دیگری سرهنگ گل‌سرخی از همکاران ایشان. در آن جلسه سردار سلیمانی گفتند «می‌خواهیم کنگره سرداران لشکر ثارالله و شـهدای کرمان و سیسـتان و بلوچستان را برگزار کنیم. خدمت رهبر معظم انقلاب رفتیم، برنامه‌های‌مان را گفتیم و گفتیم که می‌خواهیم راجع به فرماندهان شـهید کتاب دربیاوریم.» دقت کنید که در این زمان حاج‌قاسم فرمانده لشکر ۴۱ ثارالله هستند.

### ■ ماجرای کشـف سـردار دل‌ها توسط شهیدباقری

وی به رابطه شـهید حسـن باقری و سـردار سلیمانی اشاره کرد و گفت: مقام معظم رهبری در همان جلسه، حوزه هنری و دفتر ادبیات و هنر مقاومت را معرفی کرده بودند و بر همین اساس این سه نفر پیش ما آمدند. ما نیز با آغوش باز پذیرفتیم و خیلی زود کار انجام شد. در این زمان تبادل اطلاعاتی بین آقای سلیمانی و آقای سرهنگی درباره شهید حسن باقری انجام شد که دوست مشترک هر دو نفر بود. همان‌طور که می‌دانید حسن باقری قبل از اینکه به شهادت برسد روزنامه‌نگار بوده و در روزنامه جمهوری اسلامی با آقای سرهنگی همکار بوده است. در همان‌جا فهمیدم که سردار سلیمانی به شدت تحت تأثیر شهید باقری است و شاید بتوان گفت یکی از معلمان ایشان همین شهید بزرگوار بوده است. البته باید بگویم کسی که سردار سلیمانی را کشف کرد نیز حسـن باقری بوده است. در زمان جنگ شهید حسن باقری فرمانده قرارگاه و اطلاعات عملیات سپاه بوده و در جریان یکی از عملیات‌ها سردار سـلیمانی را می‌بیند و به نوعی از ایشان خوشش می‌آید. به نظرم شهید باقری یکی از کسانی اسـت که هنوز شناخته نشده و شاید بتوان گفت خود او یک حاج‌قاسم دیگر است. ایشان تأثیر به‌سزایی در سرنوشت دفاع مقدس داشـته و ما را از حالت انفعالی به حالت فعال و هجومی تبدیل می‌کند.

مؤمنی‌شریف در ادامه گفت: به ماجرای اصلی برگردیم؛ این گروه سـه نفره پیش ما آمدند تا سـفارش کاری بدهند، ما هم پذیرفتیم و آن کار انجام شد. بنده در آن زمان این خوشبختی را داشـتم که راجع به شـهید احمد سلیمانی بنویسم که عموزاده ایشان بود. سردار سلیمانی و شهید احمد سلیمانی با هم بزرگ شده بودند تا زمانی که حاج‌احمد به شهادت می‌رسد. نوشتن کتابی راجع به این شهید توفیقی برای من بود که با خانواده پرافتخار سـلیمانی آشـنا شوم. برهمین اساس به روستای ایشـان رفتم و در آنجا پدر حاج‌قاسم را دیدم و چند روزی مهمان این خانواده بودم. جالب اسـت بدانید که خود سردار سـلیمانی به من گفت و اعلام نیز کرده بود که معلم من شهید احمد بود. نام کتابی که درباره ایشان نوشتم «ریشه در آسمان» بود و توفیقی از آن سفر برای من شد.

### ■ شهید سلیمانی از ۱۳ سالگی کار می‌کرد

وی در ادامه گفت: اینجا می‌خواهم کمی راجع به گذشته حاج‌قاسم حرف بزنم چراکه متأسفانه می‌بینـم گاهی اطلاعات غلط داده می‌شـود. روستای حاج‌قاسم سـلیمانی تا کلاس پنجم ابتدایی کلاس داشته اسـت و برای گذراندن دوره راهنمایی به شهرستان رابر می‌روند. این منطقه ۱۷، ۱۸ کیلومتر با روستای آنها فاصله دارد. در همان زمان شـهید قاسم سلیمانی و شهید احمد سلیمانی مجبور می‌شوند برای کار کردن به کرمان بروند؛ ماجرا از این قرار است که پدران‌شان به بانک کشاورزی بدهکار هستند. عجیب است که این دو نوجوان ۱۲، ۱۳ ساله به کرمان می‌روند و هم‌قسم می‌شوند که آن قدر کار کنند تا بدهی پدران‌شان را بپردازند. هشت ماه در کرمان کار می‌کنند و بـا حقوق روزانه چهار تومان موفق می‌شـوند بخشی از بدهی پدران‌شـان را بپردازند. دقت داشته باشید که من از روی عمد این سـخنان را بیان می‌کنم چراکـه می‌خواهـم بگویم قهرمانـان انقلاب اسلامی از کجا آمده‌اند.

وی با اشاره به شخصیت سردار سلیمانی گفت: همان زمان که با ایشان آشنا شدم، فهمیدم که ایشان به کار فرهنگی بسـیار اهمیت می‌دادند. ایشان اهمیت روایت شهیدان در قالب کتاب را ۲۴، ۲۵ سال پیش فهمیدند و پای کار ایستادند تا کتابی برای دوستان شهیدشان نوشته شود. این مسئله خیلی مهم اسـت. این گونه هم نبود که کار سرسـری باشـد. ایشـان در ابتدا پیش رهبری می‌روند سپس به حوزه می‌آیند، مداوم پیگیری می‌کنند تا کار انجام شود، خودش کتاب را می‌خواند و برایش مقدمه می‌نویسد و... خداوند شهید علی خوش‌لفظ را رحمت کند. وقتی کتاب خاطره ایشان با نام «وقتی مهتاب گم شد» درآمد، حاج‌قاسم آن را خوانده بود و تعریف می‌کرد که این کتاب را زمانی می‌خواندم که از بغداد به اقلیم کردسـتان می‌رفتم و حال خوبی داشتم. یعنی سردار ما در این شرایط هم کتاب می‌خواند و با آن بیگانه نبود. ایشان مطالب نویسندگان ما را به اسم می‌شناخت و جلسات دوستانه‌ای با آنان داشتند. مسائل فرهنگی دغدغه ایشان بود. علاوه بر این به خانواده‌های شهدا سر می‌زد و تلاش می‌کرد کار مردم را راه بیندازد.

این داسـتان‌نویس ادامه داد: حجت‌الاسـلام والمسـلمین شـیرازی نماینده ولی‌فقیه در نیروی قدس تعریف می‌کردند که جلسه‌ای با سردار سـلیمانی داشـتیم که تا پاسی از شب طول کشید. قرار شد فردا ادامه جلسه را داشته باشیم. وقتی صبح به دیدار ایشان رفتم به من گفت دیشب به اصفهان رفتم به یک جانباز سر زدم و دوباره برگشتم. وقتی به سنت‌های دینی خود برگردیم با نامی به عنوان برکت در زمان روبه‌رو می‌شویم.

رئیس حوزه هنری در ادامه ایـن برنامه، لفظ «جهان پهلـوان» را برای سـردار سـلیمانی شایسته دانست و گفت: خلاف قهرمانان غربی، مـا در ادبیات کهن خـود با پهلوانـان روبه‌رو هسـتیم. پهلوانان کسانی هسـتند که صرفاً قـدرت و زور ندارند بلکه فتـوت و جوانمردی نیز دارند. یک مرحلـه بالاتر به جهان پهلوانان می‌رسیم. آنان کسانی هستند که پاسدار مردم، مرزهای کشور و امنیت آن هستند. در حقیقت ضمن اینکه تمام خصایل برتر را دارند متعلق به همه مردم خود نیز هستند. حاج‌قاسم سلیمانی را باید در این دسته‌بندی بدانیم. او افتخار ما بود اما فقط برای ما نبود. قلمرو مالکیت او به خارج از مرزهای ایران نیز کشـیده شـده بود. یکی از نشـانه‌های پاک بودن فطرت این است که خداوند مهرشان را به دل همه می‌اندازد.

مؤمنی شـریف در پایان سـخنانش با اشاره به نگارش کتاب درباره زندگی سـردار سلیمانی گفت: زمان حیات نورانی ایشان به شدت مقاومت می‌کردند و همکاران ما که به ایشـان مراجعه می‌کردند نپذیرفتند اما اطلاع دارم که ایشـان یادداشـت‌هایی دارنـد که در اختیـار خانواده محترم‌شان سـرکار خانم زینب سلیمانی و در مرکز اسناد نیروی قدس است. حتماً برنامه‌هایی در این زمینه وجود خواهد داشت. خواهشی که دارم این است کسانی که می‌خواهند کاری کنند با سپاه پاسداران و سپاه قدس هماهنگ کنند که روایت‌ها درست باشـد و شاهد موازی کاری نباشیم. بالاخره ایشـان یک شخصیت فراملی هستند و نباید اختلاف روایت‌ها به گونه‌ای باشد که به مستند بودن کار لطمه بزند.

# «مرغ مولد» سریال‌های صداوسیما!

## وفاداری به تاریخ در سریال‌های مناسبتی به رشد و تعالی جامعه کمک می‌کند و اگر فقط به تخیل و کپی‌کاری بسنده شود حیف و میل بیت‌المال و اتلاف وقت مردم است

■ معصومه طاهری

وحید جلیلی در مصاحبه‌ای که در فضای مجازی از وی منتشر شده است می‌گوید: «سازنده سریال دیوار به دیوار از افرادی است که به نظام توهین می‌کند اما بعد تلویزیون بـه او ۷ میلیارد تومان بودجه می‌دهد تا سـریال بسـازد، سریالی که سفیر انگلیس به پشت صحنه آن می‌آید و عکس یادگاری می‌گیرد.»

سریال‌سازی در صداوسیما موضوع تازه‌ای نیست اما مدت‌هاست مسیر نادرستی را طی می‌کند. بر هیچ کس پوشـیده نیست که سـریال‌های تلویزیونی در انحراف سـبک زندگی اسلامی و تمایل مردم به تجمل‌گرایی نقش زیادی دارند. البته این همه ماجرا نیست، میلیاردها تومان در صداوسیما صرف سریال‌هایی می‌شود که از نظر محتوایی فاقد ارزش هستند. سریال «جلال» از سریال‌های مناسـبتی بود که در شب‌های دهه فجر از شبکه اول نمایش داده می‌شد؛ مجموعه‌ای که در ابتدا جذابیت‌هایی برای خود داشـت اما کم‌کم مخاطب متوجه می‌شود که کپی ایرانیزه شـده از «بینوایان» ویکتور هوگو است و همین کپی‌کاری به ذوق مخاطب مـی‌زد. البته اینکه سریال‌ها از تخیل نویسندگان بهره بگیرند چیز بدی نیست اما سؤال این است آیا در سریال‌های مناسبتی نمی‌شود از داستان‌های واقعی استفاده کرد؟! داسـتان‌هایی که اگر اهل مطالعه تاریخ باشیم به وفور در تاریخ و ادبیات و فرهنگ ما یافت می‌شود. داستان‌هایی که مردم را به مطالعه تاریخ تشویق می‌کند و بعد با واژه «همه‌اش تخیل بود» یک پروژه چند میلیاردی را زیر سؤال نمی‌برد؛ در زمانه‌ای که شبکه‌های تلویزیونی معاند با انواع رسانه‌ها و قالب‌های مختلف اصول اولیه انقلاب را تحریف می‌کنند ساخت سریال‌هایی که مبنایی حقیقی ندارند چه سـودی بـرای جامعه دارد؟! وقتی کشوری این همه غنا در حماسه و ماجراهای خواندنـی دارد و زندگی نوشـته‌های مراکزی چون سوره‌مهر برای آثار سینمایی و تلویزیونی فراهم کرده‌اند چرا باید مانند یک مرغ مقلد آثار سینمایی کشـورهای دیگر را کپی کنیم و با نام انقلاب اسلامی به خورد مخاطب بدهیم؟!

متأسفانه این موضوع حتی در آثار تاریخی هم وجود دارد. عزت شاهی اسطوره مبارزه انقلابی که شکنجه‌هایش را باید در تاریخ ثبت کرد در پاسخ به این سؤال ما که چرا تاکنون از زندگی شما فیلم یا سریالی ساخته نشده است؟ می‌گوید: «کارگردان فیلمنامه زندگی‌ام را به من داد اما همه تاریخ را در آن تحریف کرده بود. مثلاً نوشته بود دختر بازجوی ساواک، من را می‌بیند و عاشقم می‌شود در حالی که چنین چیزی اصلاً وجود نداشته است. من هم نخواستم در تاریخ دستی برده شود.»

این حقیقت وجـود دارد کـه کارگردانان اغلب نمی‌توانند هم به داستان وفادار باشند و هم تاریخ را روایت کنند، مدیران هـم در این عرصه ورود جدی ندارند به همین دلیل است که بودجه‌های کشور بیهوده صرف می‌شود. اما مردم به تاریخ و داسـتان‌هایی که مبنایی در تاریخ یا دین دارند علاقه بیشتری دارند.

سریال «شـوق پرواز» داسـتان زندگی شهید عباس بابایی، سریال «سیمرغ» روایت شهیدان کشوری و شیرودی، حتی سریال «شهریار» که روایتی از زندگی شاعر انقلابی آذری‌زبان است به جرئت نشان دادند که داستان‌های تاریخی اگر کارگردانش هنرمند باشد توانایی جذب دارند و می‌توانند در کنار آن حقایق تاریخ را به مخاطب منتقل کنند.

بهروز شعیبی با فیلم «سیانور» هم همین موضوع را در قالب سـینما بیان می‌کنـد؛ موضوعی که محمود رضوی تهیه‌کننده سینما با سری فیلم‌های نیمروز نشـان داد تاریخ اگر درسـت بیان شود پولساز هم هست اما متأسفانه صداوسیما غافل از این قافله عنان کار را به چند نویسنده و کارگردان می‌سپارد تا انقلابی‌های روسیه و فرانسه را ایرانیزه کنند و با تخیل نویسنده به شعور مخاطب حمله می‌کنند. مثلاً در سال ۹۰ صداوسیما سریالی را به نمایش گذاشـت که در آن چند ارتشی مأمور نابودی تهران با موشک می‌شوند. دروغی که در صبحگاه ارتش صدای فرمانده آن روزهای نیروی زمینی امیر پوردسـتان را هم درآورد که چرا به تاریخ خیانت می‌کنید و چهره خدوم ارتش را برای مردم منفور نشان می‌دهید؟!

وفاداری به تاریخ در سـریال‌های مناسـبتی اصلی است که اگر درست اجرا شود به رشد و تعالی جامعه کمک می‌کند و اگر فقط به تخیل و کپی‌کاری بسنده شود حیف و میل بیت‌المال و اتلاف وقت مردم است. در همین تاریخ معاصر آن‌قدر داستان‌های عاشـقانه و رومانتیک در بستر حوادث داشته‌ایم که فقط به یک محقق نیاز دارد تا آنها را کشف و استخراج کند و نیازی به تقلیـد از داسـتان‌های غیرایرانی آن‌هم در سریال‌های مناسبتی نیست.

نگاهی به مجموعه داستان خواهران پینوکیو

# همپای رؤیاهای نوجوانانه

■ رامین جهان‌پور

می‌گوینـد نوجوانـی دوره گـذار زندگی اسـت. دوره‌ای که شخصیت انسان شـکل می‌گیرد و در واقع دورخیزی اسـت برای رسـیدن به جوانی و آینده در زندگـی. ادبیات نوجوانان چـه در قالب شعر و چه داستان، سـبک و سیاق خاص خودش را دارد. نویسنده در هر سـن و سالی که باشد باید طوری بنویسـد که مخاطب نوجوان به راحتی با او همذات‌پنداری کند. نوشـتن برای گروه سـنی نوجوان نقطه تعادل نگارش در ادبیات است. یعنی سبک نویسنده نه کودکانه و ساده باشد نه بزرگسالانه و سنگین. بسیار زیادند نویسندگانی که خواسته‌اند در زمینه رمان‌نویسی یا حتی شعر برای نوجوانان اثری بیافرینند اما موفق نبوده‌اند چون اثرشـان یا آن‌قدر سطحی و ساده و کودکانه بوده که نوجوانان آن را پس زده‌اند یا این‌قدر نثرشان سنگین و سخت بوده که نوجوان فکر کرده کتابی که دارد می‌خواند مربوط به بزرگسالان است و چیزی از کلمات قلمبه و سـلمبه آن نمی‌فهمد، پس باید قبول کنیم که نوشتن برای این گروه سنی احتیاج به قواعدی دارد که نویسنده باید به آن اشراف داشته باشد. بدیهی است نویسنده‌ای که برای این گروه سنی می‌نویسد باید در وهله اول نثر و شیوه نگارش برای این گروه سنی را بشناسد و بعد اینکه با خصوصیات اخلاقی، اجتماعی و روحی آنها در زندگی آشنا باشد تا بتواند اثر درخور توجه‌ای خلق کند. «خواهران پینوکیو» مجموعه داسـتانی است از انتشـارات قدیانی که در سال ۱۳۹۷ منتشر شـده و نویسنده‌اش خانم سـعیده زادهوش اسـت. زادهوش نوشـتن برای این گروه سنی را با نشریات نوجوانان کشور شروع کرده و به دنیای نوجوانان نزدیک است و می‌شود با خواندن این مجموعه، به این نکته پی برد. موضوع اکثر داسـتان‌ها مربوط به نوجوانانی اسـت که در جامعه امـروز ما زندگی می‌کننـد و کلماتی مثل سی‌دی، آسانسور، چیپس، مانیتور و کامپیوتر که در قصه‌ها دیده می‌شـود نمایانگر این نکته است. زادهوش با این مجموعه نشان داده که با مشکلات، دغدغه‌ها، رؤیاها و آرزوهای نوجوانان امروز آشناست و به آنها نزدیک اسـت و همین مسئله باعث شده داستان‌ها قابل لمس و باورپذیر باشند. یکی دیگر از ویژگی‌های داستان‌های این کتاب تقسیم‌بندی قصه‌هاسـت. مثلاً نیمی از قصه‌های این کتاب از زبان یک راوی پسر بیان می‌شود و دنیای پسرهای نوجوان را نشان می‌دهد و بقیه داستان‌ها هم از زبان یک دختر نوجوان گفته می‌شود و حوادث داستان‌ها مربوط به حال و هوای دخترهاست که به هر حال تفاوت‌هایی از لحاظ روحـی، عاطفی و فیزیکی با پسران دارند. در قصه اول کتاب ما با پسری به اسم پارسـا روبه‌رو هسـتیم که مثل خیلی از بچه‌های نسل اینترنت، با آدم‌های قدیمی و سنتی نمی‌تواند ارتباط برقرار کند. عمه‌خانم پیرزنی است که بابای پارسـا را مثل یک مادر از کودکی بـزرگ کرده به خاطر همین به خانه آنها رفت و آمد دارد. او عاشق آبگوشت بزباش است و با سوسیس و کالباس و دوغ پاستوریزه و بچه‌های بی‌ملاحظه این دوره و زمانه مشکل دارد و رفتارش برای پارسا غیر قابل تحمل است طوری که پارسا آرزوی مردن او را می‌کند تا از دستش راحت شود اما در آخر قصه وقتی عمه‌خانم مریض می‌شود این پارسا است که طاقت بیماری او را ندارد و زندگـی خانوادگی‌اش را بدون حضور او، سرد و بی‌معنی می‌بیند. در داستان چهارم کتاب (خواهران پینوکیو) که عنوان این مجموعه داستان هم از آن گرفته شده راوی داستان دختر نوجوانی است که در رؤیاهای غیرواقعی خود غوطه‌ور است. این دختر عـادت به دروغگویی دارد و همیشـه از واقعیت زندگی فقیرانه و ساده‌شان فراری است. او می‌خواهد پیش همکلاسی‌ها و دوستانش خودش و خانواده‌اش را طور دیگری نشان دهد اما آخرسر، پته‌اش رو می‌شـود، بعد به خاطـر اتفاق‌هایی که برایش پیش می‌آید می‌فهمد که بهترین راه برای رسیدن به موفقیت و رستگاری این است که انسان از خود واقعی‌اش فرار نکند و همیشه خودش باشد. همان‌طور که گفتم داستان‌ها اکثراً به‌روز هستند و نویسنده از دغدغه‌های بچه‌های امروز می‌گوید اما اشـکالی که در برخی قصه‌ها مشهود است این است که برخی توصیفات و دیالوگ‌های داستان‌ها، امروزی و نو نیست و گاه بسیار به کهنگی می‌زند و کلماتش آدم را یاد داستان‌های دهه‌های ۳۰ و ۴۰ خورشیدی می‌اندازد. در صورتی که نوجوان امروز جامعه ما در نشریات و سایت‌ها و دیگر رسانه‌های دیداری و شنیداری با جملات و کلماتی روبه‌رو است که در جامعه فعلی ما رواج دارد و کمتر کسی این‌قدر عصاقورت داده صحبت می‌کند. البته احتمالش زیاد است که نویسنده تحت تأثیر کتاب‌های ترجمه یا نثرهای قدیمی قرار گرفته باشد. به این دیالوگ‌ها توجه کنید: «این پارسا را خدا برای چی به ما داده، وانگهی از حالا باید طرز رفتار با آدم‌های پیر را یاد بگیرد...» (داستان منهای عمه، صفحه ۹ پاراگراف سوم) یا «...همین قدر فهمیده بودم که بابا را بزرگ کرده و جای مـادر او را دارد...» (همان داسـتان و همان صفحه پاراگراف چهارم) یا «به بخت بد خودم نفرین می‌فرستادم...» (صفحه ۱۸ سطر اول، همان داستان) یا «... چند مشت پیاپی کوفتم به پشتی! (همان صفحه و همان داستان، پاراگراف سوم) «... یک کلمه از حرف‌هایش حالی‌ام نبود...» (صفحه ۲۶ داستان گل سرسبد، پاراگراف سوم) یا «بی‌درنگ خودش را از طبقـه دوم به در خانه رسـاند...» در بعضی از جاها هم به جملات نامفهومی برمی‌خوریم که می‌شد ساده‌تر نوشـت مثل این جمله پایانی داستان «مار و پله»: «از نگاه ناجور مامان پیدا بود که کم مانده روی سر و از چشم‌هایش مار دربیاید..» (صفحه ۳۵ سـطر آخر). یکی دیگر از اشـکالات داستان اول کتاب (منهای عمه) این است که راوی داستان از اول شروع قصه، پیرزنی که به خانه آنها رفت و آمد دارد را عمه‌خانم صدا می‌زند و ما به عنوان خواننده، پیرزن را به عنوان عمه‌خانم می‌شناسیم اما ناگهان در سطرهای پایانی داستان راوی قصه از او به عنوان «رباب‌خانم» یاد می‌کند. کلمه رباب‌خانم را فقط یک بار در طول داستان می‌بینیم در صورتی که اصلاً نیـازی نبود که مخاطب اسـم اصلی او را بداند یا بهترین کار این بود که اسـم اصلی پیرزن را به عنوان شخصیت اول قصه، نویسنده در ابتدای داسـتان می‌آورد. به هر حال سـاختار منسجم و پایان‌بندی منطقی داسـتان‌ها بـه ماندگاری این کتاب کمک کرده است و خواندن آن برای نوجوانان و بزرگسالان خالی از لطف نیست.

نوبت اول
شرکت سهامی برق منطقه ای سیستان و بلوچستان
آگهی مزایده شماره ۹۸/۵
مزایده گزار: شرکت سهامی برق منطقه‌ای سیستان و بلوچستان
موضوع مزایده: فروش ۱۳ دستگاه انواع خودروهای اسقاط موجود در انبار شرکت سهامی برق منطقه‌ای
مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار: ۸۱۲/۰۰۰/۰۰۰ ریال می‌باشد که می‌بایست به ترتیب مندرج در اسناد مزایده تهیه و تسلیم گردد (ضمانتنامه شرکت در فرایند ارجاع کار می‌بایست دارای ۳ ماه اعتبار و همچنین قابلیت تمدید به مدت ۳ ماه دیگر باشد).
تاریخ دریافت اسناد مزایده: از روز شنبه مورخ ۱۳۹۸/۱۱/۲۶ لغایت ساعت ۱۵:۳۰ روز سه‌شنبه مورخ ۱۳۹۸/۱۲/۶
نحوه دریافت اسناد مزایده: مراجعه به صفحه اعلان عمومی سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس SETADIRAN.IR
تاریخ بازدید از کالای موضوع مزایده: ساعت ۷:۰۰ صبح تا ۱۳:۰۰ روزهای اداری از یکشنبه مورخ ۱۳۹۸/۱۱/۲۷ لغایت دوشنبه مورخ ۱۳۹۸/۱۲/۱۹
محل بازدید از کالای موضوع مزایده: زاهدان، ابتدای جاده گوربند، انبارمرکزی شرکت برق منطقه‌ای سیستان و بلوچستان. ضمنا داشتن رسید سامانه‌ای خرید اسناد مزایده به همراه معرفی نامه (برای شخص حقوقی) یا کارت شناسایی (برای شخص حقیقی) الزامیست.
تاریخ تحویل پاکات مزایده: حداکثر تا ساعت ۳:۰۰ بعدازظهر روز دوشنبه مورخ ۱۳۹۸/۱۲/۱۹
تاریخ و محل بازگشایی پاکات مزایده: راس ساعت ۱۰:۰۰ صبح روز سه‌شنبه مورخ ۱۳۹۸/۱۲/۲۰ - امور تدارکات و قراردادهای شرکت برق منطقه‌ای سیستان و بلوچستان
نحوه تحویل پاکات مزایده: پاکات مزایده که توسط مزایده‌گر تهیه می‌شود می‌بایست به دو شکل تحویل شود:
۱. بارگذاری پاکات (الف) و (ج) به صورت الکترونیکی در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت مطابق با شرایط مندرج در اسناد
۲. تحویل فیزیکی فقط پاکت (الف) و (ب) مطابق با زمانبندی مندرج در اسناد به آدرس زاهدان، حدفاصل دانشگاه ۳۷ و ۳۹، دبیرخانه شرکت برق منطقه‌ای سیستان و بلوچستان، تلفن: ۰۵۴۳۱۱۳۷۰۵۶
تحویل پاکات به هر دو روش فوق‌الذکر الزامیست.
مدت تحویل کالا: ۷ روز پس از ابلاغ کتبی مزایده‌گزار
با ترویج فرهنگ صرفه‌جویی، صنعت برق را در ارائه خدمات پایدار یاری کنیم.
م الف: ۹۹۶
روابط عمومی شرکت برق منطقه‌ای سیستان و بلوچستان
شناسه آگهی: ۷۷۲۴۵۱

نوبت دوم
آگهی مناقصه عمومی مرحله اول
شهرداری بندرماهشهر به استناد موافقت نامه شماره ۴۴۶/ش مورخ ۹۱/۴/۱۷ و ۴۶۹/ش مورخ ۱۳۹۴/۴/۳۱ شورای اسلامی شهر درنظردارد تأمین ۸۵ نفر نیروی انسانی (خدمات اداری) را با شرایط ذیل از طریق مناقصه عمومی به پیمانکار واجد الشرایط واگذار نماید.
۱. اسناد مناقصه از مورخ ۱۳۹۸/۱۱/۲۷ تا پایان وقت اداری مورخ ۱۳۹۸/۱۲/۱۲ در مقابل پرداخت مبلغ ۱,۵۰۰,۰۰۰ ریال (غیر قابل استرداد) به حساب سیبا ۰۱۰۵۲۹۳۴۸۲۰۰۰ نزد بانک ملی شعبه شهرداری تسلیم و پاکت ها در مورخ ۱۳۹۸/۱۲/۱۴ به واحد امور قراردادها تحویل می گردد. بازگشایی پاکت‌ها مورخ ۱۳۹۸/۱۲/۱۷ می‌باشد.
۲. مبلغ برآورداولیه جهت یک سال ۵۳,۹۶۱,۶۶۲,۲۹۷ ریال می‌باشد که پیشنهاد دهنده باید ۵٪ قیمت پایه معادل ۲,۶۹۸,۰۸۳,۱۱۵ ریال را بعنوان سپرده شرکت درمناقصه به حساب سیبا شماره ۰۱۰۵۲۹۴۱۶۷۰۰۳ بانک ملی ایران به نام شهرداری بندرماهشهر بصورت نقد یا ضمانتنامه بانکی ضمیمه پیشنهاد خود ارائه نماید.
۳. شهرداری در رد یا قبول یک یا کلیه پیشنهادات مختار است.
۴. هزینه نشرآگهی به عهده برنده مناقصه می‌باشد.
۵. شرکت کنندگان باید دارای کد اقتصادی دوازده رقمی (TIN) باشند.
۶. گواهی معتبر تأیید صلاحیت اداره کار و اموراجتماعی الزامی است.
۷. گواهی معتبر تأیید صلاحیت ایمنی از اداره کار و امور اجتماعی الزامی است.
۸. متقاضیان می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر در ساعات اداری با شماره تلفن ۱۶-۵۲۳۳۹۱۱۴۰۶۱ تماس و یا به آدرس www.mahshahr.ir مراجعه نمایند.
امور قراردادهای شهرداری بندرماهشهر

سازمان آگهی‌های روزنامه جوان
تلفنی آگهی می‌پذیرد
۸۸۳۴۱۶۵۴